

شانها و مسوولیتهای قرآنی

حضرت خدیجه کبری

عَلَيْهَا  
السَّلَامُ

مادر حضرت کوثر

سَلَامُ

# باصادقان

سایت رسمی جناب آقای غلامرضا صادقی فرد

# صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدٌ

# وبلاگ

« اعلام برنامه مناسبت های مذهبی  
« انتشار محتوای ارائه شده در مناسبت های مختلف  
« نگاهی دقیق و تازه به تاریخ اسلام  
« بررسی اعتقادات شیعه و شبهات وارد شده

پرسش و پاسخ



فروشگاه



وبلاگ



پخش زنده





برای دریافت فایل‌های صوت،  
متن و پاورپوینت مربوط به  
مباحث مطرح شده در این شبها  
می‌توانید به پایگاه اینترنتی

[www.sadeqifard.com](http://www.sadeqifard.com)

مراجعه کنید.



شب اول محرم ۱۴۴۴



السلام عليك يا أبا عبد الله  
وعلى الأرواح التي حلت بفنائك  
السلام على الحسين  
وعلى علي بن الحسين  
وعلى أولاد الحسين  
وعلى أصحاب الحسين

قال رسول الله ﷺ

ان لقتل الحسين (ع) حرارة في قلوب المؤمنين  
لا تبرئ ابداً

كَذَّبَ الْمَوْتُ **فَالْحُسَيْنُ** مُحَمَّدٌ

كَلَّمَا أَخْلَقَ الزَّمَانَ تَجَدَّدَ

إِنَّ سَيْفَ **الْحُسَيْنِ** حَيًّا وَمَيِّتًا

يَحْسِمُ الْكُفْرَ مُغَمَّدًا وَمُجَرَّدَ



آفتاب دوباره ای پیدا است

روی دوشش ستاره ای پیدا است

مشک بر روی شانه عباس

لب دریا کناره ای پیدا است

این طرف غیر خار در دستی

وای من سنگ خاره ای پیدا است



آن طرف حنجری عطش آلود

درپس گاهواره ای پیداست

این طرف با سه شعبه های خودش

روی اسبی سواره ای پیداست

آه از توی گودی گودال

سردارالاماره ای پیداست

سلام الله ابدًا

از نسیب پرده ها ما خود را (۱۸)

اگر این نیزه ها اجازه دهند  
بدن پاره پاره ای پیدا است

مهدی رحیمی

سلام الله ابد ابا

# زيارت حضرت سيد الشهداء عليّ عليه السلام در نيمه رجب

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ  
عَلَيْكُمْ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَةَ السَّادَاتِ.  
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا لُيُوثَ الْغَابَاتِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سُفْنَ  
النَّجَاةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ  
يَاوَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ  
أَدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ.

# زیارت حضرت سید الشهداء علیؑ در نیمه رجب

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ  
إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ.  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ  
يَاوَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ  
اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ  
يَا بَنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى.

## زيارت حضرت سيد الشهداء عليّ عليه السلام در نيمه رجب

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيجَةَ  
الْكُبْرَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدُ ابْنِ الشَّهِيدِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ  
يَا قَتِيلُ ابْنِ الْقَتِيلِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ. السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ  
الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

## زيارت حضرت سيد الشهداء عليؑ در نيمه رجب

وَرَزَيْتَ بِوَالِدَيْكَ وَجَاهَدْتَ عَدُوَّكَ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَتَرُدُّ  
الْجَوَابَ، وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ وَخَلِيلُهُ وَنَجِيبُهُ وَصَفِيُّهُ وَابْنُ صَفِيِّهِ.  
يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ! زُرْتُكَ مُشْتَاقًا فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى اللَّهِ يَا سَيِّدِي  
وَأَسْتَشْفِعُ إِلَى اللَّهِ بِجَدِّكَ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ، وَبِأَبِيكَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَبِأَمِّكَ  
فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. أَلَا لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ وَلَعَنَ اللَّهُ  
ظَالِمِيكَ وَلَعَنَ اللَّهُ سَالِبِيكَ وَمُبْغِضِيكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. وَصَلَّى  
اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.»

# عظمت نیمه دوم سبب اسراء

نیمه دوم سببی که خدای حکیم در «اسراء پیامبر رحمت» به او عطا کرد و به حضرت خدیجه اختصاص داشت، می رود تا به فراموشی سپرده شود. این یا به خاطر عظمت خاتم پیامبران است که سبب شده تا حضرت خدیجه در شعاع این عظمت دیده نشود و یا به آن خاطر است که دستهای مخالفان تلاش بی اندازه‌ای را در به فراموشی سپردن این نیمه اعمال کرده‌اند.

... و این چند شب بهانه‌ای است برای نگاهی به عظمت صاحب این نیمه

# عظمت حضرت خدیجه کبری در کتاب خدا

در منطق کتاب خدا و نیز پیامبر رحمت، **حضرت خدیجه** به آن اندازه بزرگ است که برای او هم‌تا و

همانندی از زنان در غیر «**اهل البیت**» یافت نمی‌شود. در بحث‌های این چند شب، به ذکر بخشی از این عظمت از کتاب خدا پرداخته خواهد شد.



# کار سختی نیست

شاید در آغاز، دل‌های مخاطبان این بحث به حال مطرح کننده آن بسوزد که عجب کار سخت و طاقت فرسای پیش روی اوست اما با شروع این بحث، ملاحظه خواهد شد که این روش، آسانترین و پربهره‌ترین روش در ذکر فضایل و ویژگی‌های آن حضرت است.

# مشکل، انتخاب آیات از میان آیات فضائل

و این به آن سبب است که بسیاری از آیات کتاب خدا با ساده‌ترین الفاظ و روشنترین آنها، به ذکر این فضایل پرداخته است تا آن جا که یکی از مشکلات مطرح‌کننده این مباحث، انتخاب آیات از میان این آیات خواهد بود.

از نیکوکاران ما خورا (۱۸)

درسی کوتاه از

خدا تم پیامبران

سلام

## تلاش پیامبر رحمت در راه تعظیم ذکر آن حضرت

پیامبر رحمت در تمام زندگانی اقدامهایی را انجام داده است که ذکر آن حضرت به فراموشی سپرده نشود. **او در تعظیم حق آن بزرگ نیز از هیچ کوششی فروگذار نمی کرد** تا آن جا که آن حضرت از سوی بعضی از زنانش مورد خطاب و عتاب و سرزنش و حتی جسارت و بی ادبی قرار می گرفت.

سرزنش پیامبر رحمت به جهت ذکر همیشگی حضرت خدیجه

«... عَنْ عَائِشَةَ...، قَالَتْ: مَا غَرَّتْ عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْ نِسَاءِ  
النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مَا غَرَّتْ عَلَيَّ خَدِيجَةَ، وَمَا رَأَيْتُهَا، وَلَكِنْ كَانَ  
النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُكْثِرُ ذِكْرَهَا. وَرُبَّمَا ذَبَحَ الشَّاةَ ثُمَّ يُقَطِّعُهَا  
أَعْضَاءً، ثُمَّ يَبْعَثُهَا فِي صَدَائِقِ خَدِيجَةَ، فَرُبَّمَا قُلْتُ لَهُ: كَأَنَّهُ  
لَمْ يَكُنْ فِي الدُّنْيَا امْرَأَةً إِلَّا خَدِيجَةُ! فَيَقُولُ: إِنَّهَا كَانَتْ،  
وَكَانَتْ، وَكَانَ لِي مِنْهَا وَلَدٌ».

صحيح بخاری ج ۵ / ۳۸.

## نهایت تلاش برای پوشاندن فضائل حضرت خدیجه

حتماً پیامبر خدا به عایشه نگفته: «**إِنَّهَا كَانَتْ، وَكَانَتْ**» و به جای آن، به ذکر فضایل آن حضرت اقدام کرده اما عایشه به جای آن فضایل، کلماتی را قرار داده است که در واقع، حکم سه نقطه را دارد تا مبادا فردی از همه جا بی خبری، **خدای ناکرده** او را از **ذاکران فضایل حضرت خدیجه** به حساب آورد.

## یکی از دلایل ذکر مدام حضرت خدیجه

در ادامه و با عبارت: «وَكَانَ لِي مِنْهَا وَلَدٌ»، عایشه به یکی از علت‌های عظمت حضرت خدیجه از لسان پیامبر رحمت اقدام کرده اما نباید از خاطرها به دور ماند که او این مطلب را البته به عنوان علت حسادتش به حضرت خدیجه مطرح نکرده است.

به هر حال و به طور خلاصه باید دانست:

ذکرهای پیامبر رحمت نسبت به حضرت خدیجه، به گونه‌ای است که برای همه مسلمانان تکلیف را روشن می‌کند. بر این اساس، همه وظیفه دارند که در اعتلای ذکر آن حضرت تلاش کنند؛ اگر بخواهند در این مسیر از خاتم پیامبران الگو بگیرند.



از نسیب پرده ها فاشورا (۱۸)

شناسنت ابری

مشکلی روی مشکلهای

سلام الله ایدمان  
خاتم پیامبر

# اشكال رايج كافران و مشركان به پیامبر رحمت

﴿وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي

الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا \* أَوْ

يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ

الظَّالِمُونَ إِنَّ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا﴾ . سورة فرقان / ٧ و ٨ .

# اشكال فرمی بر تمام پیامبران

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ  
وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ  
وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا﴾

سوره فرقان / ۲۰.

# پیامبرانی از جنس انسانها

سایر امور زندگی عادی پیامبران مانند سایر امور زندگی عادی انسانهای دیگر بود. اگر آنان غصه می خوردند، این غصه ممکن بود، آنان را نابینا کند و اگر ازدواج نمی کردند، خدا به آنان فرزندی عطا نمی کرد و چنانچه پیر می شدند، امکان آن که آنان فرزندان را بشوند کم می شد و اگر چنانچه زنان آنان به حد نازایی می رسیدند، نازا می شدند و... البته در مواردی نادر، گزارشهایی به دست رسیده است که از وقوع معجزه در این موارد، خبر می دهد.

آزار سنگین پیامبر رحمت و زوجه او از راه شنائت ابتری

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ \* إِنَّا

أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ \* فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ

\* إِنَّ شَانِيكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿﴾ • سورهُ كُوثَرُ ۱ تا ۳.

## عظمت فراموش شده‌ای در سایه عظمت پیامبر خدا

طبیعی است که این شنائتها، تنها پیامبر رحمت را مورد هدف قرار نمی‌داد بلکه حضرت خدیجه را نیز آماج این حملات می‌ساخت؛ بزرگ بانوی که اولین زوجه پیامبر خدا بود و تا زنده بود و بلکه تا دختر آن حضرت به خانه امیر مؤمنان نرفته بود، پیامبر رحمت زوجه دیگری را اختیار نکرد.

## مقدمه‌ای برای ولادت حضرت «کوثر»

روایات بسیاری از «سیب بهشتی» و یا «گللابی بهشتی» بحث می‌کند که در «اسراء پیامبر رحمت» به آن حضرت اعطا شده بود تا نیمی از آن را خودش تناول کند و نیم دیگرش را به حضرت خدیجه بدهد. این «سیب» و این «گللابی»، البته مقدمه‌ای برای ولادت حضرت «کوثر» بود؛ برای ولادت بانویی که با ولادتش، به منطق قرآن، دیگر جایی برای «شنائت ابتری» به پیامبر رحمت و نیز به حضرت خدیجه باقی نمی‌گذارد.

از نیکوکاران ما خورا (۱۸)

عالمی که همیشه  
بانوی از

سلام از شما بدانان



# اولین زن مؤمن به پیامبر رحمت

ام المؤمنین حضرت خدیجه، بعد از امیر مؤمنان، اولین فردی است که به خاتم پیامبران ایمان آورده است. بر این اساس، باید از او به عنوان دومین مؤمنی یاد کرد که از میان زنان و مردان به آن حضرت گرویده و ایمان آورده‌اند. این ایمان، امتیاز عظیمی برای آن حضرت است.

## نماز خواندن در کنار کعبه، قبل از بعثت

سبقت در ایمان تنها امتیاز ایمان حضرت خدیجه نیست بلکه ایمان او از جهات متعددی ممتاز بود. آیاتی از کتاب خدا که به بحث این امتیاز پرداخته خبر از آن می دهد که آن حضرت به همراه پیامبر رحمت و امیر ابرار\_ که سلام خدا بر آنان باد\_ در کنار کعبه و در زمانی به نماز خواندن می پرداخت که هنوز پیامبر رحمت به پیامبری مبعوث نشده بود.

بی خبری از فضایل حضرت و از جسارت‌های روا داشته شده

بسیاری از ما ممکن است با جسارت‌هایی آشنا  
باشند که کافران و مشرکان در این زمانها به  
**پیامبر رحمت** می‌کردند اما بسیاری از ما از این نماز  
خواندن خبری ندارد تا چه رسد به آن که از این  
جسارت‌ها نیز با خبر باشد.

# حضرت خدیجه مادر حجج الهی

حضرت خدیجه مادر حضرت زهراى مرضیه و یعنی مادر تنها فردی است که ادامه دهندهٔ نسل خاتم پیامبران است؛ نسلی که تا ابد، بدون انقطاع، ادامه خواهد داشت. همین موضوع، ریشهٔ بسیاری از جسارتهایی است که به آن حضرت روا داشته شده است.

# ثروتمندترین غیر قابل انکار

حضرت خدیجه یا همان گونه که ابن هشام ادعا کرده ثروتمندترین زن قریش و یا همان گونه که ابن اسحاق اظهار کرده، ثروتمندترین فرد قریش است و این مطلب، برای احدی قابل انکار نیست؛ خواه مانند این دو، به ذکر آن اقدام کرده و خواه از ذکر دست و پا شکسته آن نیز طفره رفته باشند.

# آیاتی چند از این ذکر در کتاب

در ادامه این مباحث البته دانسته می شود که  
خدای حکیم این فضیلت حضرت خدیجه را در  
آیاتی از کتابش، ذکر کرده و تفاوت ذکر خدای  
حکیم و ذکر بندگان دشمن، تفاوت ذکر حق و ذکر  
باطل است.

# داستان پردازی با اهدافی پلید

در مورد حضرت خدیجه و سن او در زمان ازدواج و این که آیا او ازدواج دیگری نیز قبل از این ازدواج داشته و یا نداشته است، داستانهای بسیاری ساخته و پرداخته و نقل شده است که همه یا بسیاری از آنها با هدفهای نادرستی پدید آمده‌اند.

## «سوره کوثر» خط بطلانی بر آن داستانش

نفس ولادت حضرت صدیقه مطهره در سال پنجم  
بعثت و نفس نزول «سوره کوثر» در این سالها و در  
این ارتباط، نشان از آن می دهد که همه آن چه  
توسط عامه در این خصوص ساخته و پرداخته شده،  
توهمهای تجسم یافته‌ای بیش نیست.



حضرت خدیجه قبل از پیامبر ازدواج نکرده بود

بنا به شواهد بسیاری \_ که بعضی از آنها نیز قرآنی  
است \_ حضرت خدیجه در زمان ازدواج با پیامبر  
رحمت، با آن حضرت هم سن بود و یا حداکثر سه  
سال بزرگتر از آن حضرت بود و حتماً قبل از آن  
حضرت، ازدواجی نیز نکرده بود.

# سوره کوثر، راهنمایی بسیار بزرگ

بسیاری از همین مطالب، از آیاتی از کتاب خدا قابل

استخراج است. برای نمونه، از «سوره کوثر» و از

شنائت شائان می توان تا حدودی با سن حضرت

خدیمه و زمان ازدواج آن حضرت آشنا شد.

از تفسیرها فائز (۱۸)

آیاتی چند در ذکر ویژگیها و امتیازهای حضرت خدیجه

۱: ﴿وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى﴾

«سورہ ضحیٰ» یکی از اولین سوره‌ها

﴿الْمُرِّيظُكَ يَتِيْمًا فَاوَى \* وَوَجَدَكَ

ضَالًّا فَهَدَى \* وَوَجَدَكَ عَائِلًا

فَاغْنَى﴾

سورہ ضحیٰ / آیت ۱ تا ۸.

## آیه اول، استفهامی و دو آیه بعد، غیر استفهامی

آیه اول از این سه آیه، خبر از آن می دهد که خدای حکیم دامن پناه حضرت ابوطالب را دامن پناه خودش خوانده است. بر اساس آیه دوم، هیچ فردی حق هدایت بر پیامبر رحمت ندارد و بر اساس آیه سوم، خزائن دارائیهای حضرت خدیجه، خزائن دارائیهای پیامبر رحمت خوانده شده است.

از نیکوکاران و مصلحتخواهان (۱۸)

الف: غنی سازی الهی

از راه غنی سازی

سلام بر مال حضرت ابی‌طالب خدیجه علیهم السلام

با توجه به ﴿وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى﴾ سه مطلب قطعی است:

- **عائل بودن** پیامبر رحمت.
- **غنی شدن** پیامبر رحمت و عائله او.
- پیامبر خدا و افرادی که هزینه زندگی آنان بر دوش پیامبر رحمت بود، **توسط خدای حکیم به غنی** رسیده‌اند.

# پیامبر رحمت «آل الله» است

بر اساس تعبیر ﴿وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى﴾ **خدای حکیم پیامبرش را «عائل» و نه «ذو عائله» یافت و او را غنی ساخت.** حال اگر چنانچه «عائل» به افرادی اطلاق شود که هزینه زندگی‌شان بر عهده فرد دیگری است، باید پذیرفت که: **خدای حکیم با این تعبیر تصریح کرده که پیامبر رحمت به تنهایی عائله خود او به شمار می‌آید و بر این اساس نیز او «آل الله» است.**



# خدا متکفل تمامی عیال خاتم پیامبران

البته و به همین دلیل، خدا متکفل هزینه زندگی تمام افرادی است که عیال خاتم پیامبران به حساب می آیند و تمام هزینه زندگی شان بر دوش آن حضرت قرار دارد اما باید دانست که خدای حکیم این امر را بدون واسطه به انجام نرسانده است.

# جبرانِ «عائل بودن» به «غنی ساختن»

جبرانِ «عائل بودن» به «غنی ساختن» است. بنا براین، «عائل بودن»، نوعی «فقر» است. این فقر، حتماً از نوع فقر مادی است. این مطلب علاوه بر آن که دلالت خود این واژه است، از آن رو قطعی تر می شود که در دو آیه قبل، از هدایت و از پناه دادن آن حضرت \_ که مصادیق فقر غیر مادی است \_ سخن گفته شده و به این جهت، باید پذیرفت که در این بخش از کلام الهی، بحث از فقر دیگری در میان بوده است.

## تبدیل تمام فقر به تمام غنی با اراده‌ای ویژه

آن فقر مادی که پیامبر رحمت با آن درگیر بود، یا فقر مادی شخصی و در ارتباط با شخص آن حضرت بود و یا ترکیبی از فقر مادی خاتم پیامبران و خانواده او و یا ترکیبی از فقر مادی خاتم پیامبران و خانواده او و نیز افرادی بود که به اسلام ایمان آورده بودند. در هر سه صورت، **با اراده خاص خدا، این فقرها به غنی تبدیل شده است.**

## امتیازهای این «اغناء»

- در زمان نزول این آیه، این اغناء به طور کامل انجام شده بود.

- این اغناء در یک مرحله انجام شده زیرا که اولاً فعل: «أَغْنَى» یک فعل ماضی است و ثانياً این «اغناء» به خداوندی انتساب یافته است که «غنی عن العالمین» است.

# امتیازهای این «اغناء»

- اغنای الهی کامل و فراگیر است و هیچ موردی از موارد نیاز پیامبر رحمت از این اغناء استثنا نیست؛ نیازهایی که از طریق «عائل بودن» متوجه پیامبر رحمت می شود.
- بعد از این اغناء، پیامبر رحمت دیگر عائل نیست و اثری از فقری این گونه در او وجود نخواهد داشت.

## امتیازهای این «اغناء»

• این اغناء در همان جهتی انجام شده است

که پیامبر رحمت در آن جهت، عائل بود.

• بعد از این اغناء، پیامبر رحمت از غنای

دیگران و از اغنای آنان بی نیاز است.

# استمرار «اغناء الهی»

کمال و فراگیری و دفعی بودن «اغناء الهی» منافاتی با استمرار آن ندارد؛ استمرار اغناء از راهی که خدا این اغنا را انجام داده است، انجام می شود. یعنی پس از آن که ثابت شد، خدای حکیم غنی، این اغناء را از راه خزائن داراییهای حضرت خدیجه انجام داده است، بعد از نزول این آیه نیز این عمل می تواند انجام شود و یعنی استمرار یابد.

## تقسیم زندگی پیامبر رحمت از نظر «عائل بودن»

۱. قبل از ازدواج با حضرت خدیجه.
۲. بعد از ازدواج با حضرت خدیجه تا بعثت.
۳. از بعثت تا نزول این آیه.
۴. از نزول این آیه تا رحلت حضرت خدیجه.
۵. از رحلت حضرت خدیجه تا پایان حیات خاتم پیامبران و نیز تا ابد.



# قبل از ازدواج

قبل از ازدواج پیامبر رحمت با حضرت خدیجه، آن حضرت به طور کامل تحت تکفل عموی عزیزشان حضرت عمران ابن عبد المطلب، یعنی حضرت ابوطالب و نیز همسر او، حضرت فاطمه بنت اسد قرار داشت و **وصف «عائل» بودن** به هیچ عنوان بر او صدق نمی کرد.

بی نیازیِ مقطع دوم، از خزانه‌های دارایی حضرت خدیجه

حضرت خدیجه، ثروتمندترین فرد قریش و یا دست کم،  
ثروتمندترین زن قریش بود و با ازدواج پیامبر رحمت با او، در  
زندگی مشترک، هزینه‌ای از این طریق متوجه پیامبر رحمت  
نمی‌شد و بلکه همان گونه که تصور می‌شد، تمام  
هزینه‌هایی که بردوش خاتم پیامبران بود نیز تنها از این  
طریق پرداخت می‌شد.

غناي مقطع سوم با خزانه‌های دارایی حضرت خدیجه

در مقطع سوم \_ یعنی از بعثت تا نزول آیه \_ وصف «عائل»  
بر پیامبر رحمت صدق می‌کرد و در کنار آن، به تصریح  
کتاب خدا، غنای او نیز فراهم بود. **این غنا نیز بدون هیچ**  
**تردیدی از خزانه‌های دارایی حضرت خدیجه فراهم شده**  
**بود** با این تفاوت که هزینه‌های رسالت نیز به  
هزینه‌های این مقطع اضافه شده بود.

## تفاوت عائله مرحله چهارم با مراحل قبل

تفاوت این اغنا با اغنای مرحله سوم و نیزیکی از تفاوتهايش با مرحله دوم در این بود که «اغنای ایجاد شده» باید پاسخگوی نیازهای آینده نزول این آیه نیز باشد و تفاوت دیگر این اغنا با اغنای مرحله دوم، اضافه شدن هزینه‌های رسالت به صورتی بسیار جدی و سنگین به هزینه‌های قبل است.

اغنای یکباره خاتم پیامبران از خزاین داراییهای حضرت خدیجه

از آن جا که اغنای خاتم پیامبران یک بار و در  
یک مرحله به انجام رسیده اغنای این مرحله نیز  
همان اغنای مراحل قبل است و از خزائن داراییهای  
حضرت خدیجه صورت گرفته است.

# اغنایی برای همیشه

اغنای مرحله پنجم نیز همانند تمام مراحل گذشته قبل از نزول آیه انجام شده است. این اغنا با اغناهای گذشته، تفاوت بسیاری دارد که از آن جمله می‌توان به جریان نیازهای این مرحله تا امروز و تا ابد اشاره کرد. **هر نیازی که در این مرحله از طریق عائل بودن پیامبر خدا متوجه آن حضرت شود، در همان زمانی برطرف شده است که سایر نیازها برطرف شده بود.**

## نیازهای دیگر + نیاز حجرات ازواج پیامبر رحمت

یکی از نیازهای مسلم این مرحله، نیازهای حجرات پیامبر رحمت بود. این نیازها، نیازهایی بود که به «عائل بودن» پیامبر رحمت ارتباط می‌یافت. اغنای این مرحله نیز از خزانه‌های دارائیهای حضرت خدیجه انجام شده بود. بر این اساس، عایشه و حفصه در حالی به حضرت خدیجه جسارت می‌کردند که سر سفره آن حضرت نشسته بودند.

# اسلام داشتن ما و آیندگان، مرهون این اغنا

یکی از امتیازهای این مرحله، جریان پاسخگویی اغنای الهی به تمام نیازهایی است که تا ابد از طریق عائل بودن پیامبر رحمت متوجه آن حضرت می شود. حال اگر چنانچه اسلام داشتن افراد در این روزگاران نیز به این «عائل بودن» ارتباطی داشته باشد، باید پذیرفت که: تا ابد هر فردی مسلمان باشد و مسلمان بودن او به عائل بودن پیامبر رحمت ارتباطی داشته باشد، باید او را سفره نشین احسان حضرت خدیجه دانست.



پیامبر همیشه غنی و غنایی که...  
از نزول آیه فَاغْنِي (۱۸)

پیامبر رحمت بعد از نزول آیه: ﴿وَوَجَدَكَ عَائِلًا  
فَأَغْنِي﴾ \_ که از اولین آیاتی است که بر آن حضرت  
نازل شده است \_ برای همیشه از نظر مادی غنی  
بود و تمام این غنای آن حضرت، از راه خزاین  
داراییهای حضرت خدیجه انجام شده بود.

پاسخگوی تمام نیازهای تبلیغ رسالت

نباید فراموش شود که تمام نیازهای مادی  
تبلیغ رسالت آن حضرت نیز از این راه انجام  
می‌شد؛ تمام نیازهایی که به وصف «عائل  
بودن» خاتم پیامبران ارتباط می‌یافت

از تفسیرها ما خود را (۱۸)

آیاتی چند در ذکر ویژگیها و امتیازهای حضرت خدیجه

۲: ﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾

سابقه و ادامهُ آيهُ: ﴿وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي﴾

﴿الْمُ يَجِدُكَ يَتِيمًا فَآوَى \* وَوَجَدَكَ ضَالًّا

فَهَدَى \* وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي \* فَأَمَّا الْيَتِيمَ

فَلَا تَقْهَرْ \* وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ \* وَأَمَّا بِنِعْمَةِ

سورة ضحى اعرافنا ١١.

رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾

# دلالتِ وجود «أما»

سه آیه دوم از این شش آیه، آیاتی است که به صورت متناظر به موضوع سه آیه اول پرداخته و در باره هر سه موضوع، بحث کرده است. این مطلب، دلالتِ وجود «أما» در ابتدای هر سه آیه دوم است.

# توضیحی در خصوص اما

«اما» کلمه‌ای است که غالباً برای تفصیل مجمل و شرح مطلبی به کار می‌رود که قبلاً به صورت خلاصه مطرح شده است. از آن جا که این کلمه حاوی مفهوم شرط است، در جمله به جزای شرط نیز نیاز است و جمله جزا حتماً باید با «فاء» شروع شود.

# توضیح دیگری در خصوص اما

میان «اما» و جملهٔ جزا، باید فاصله‌ای نیز

وجود داشته باشد. «اما» بر سر فعل، وارد

نمی‌شود و **جدا کنندهٔ مواردی نیز هست**

**که قبلاً به صورت اجمال مطرح شده است.**

## مثال قرآنی کاربرد «أما»

﴿فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا... \*... \* فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيََا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ... \*... \* فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقُضَ فَاقَامَهُ...﴾

سوره كهف ۷۱ تا ۷۷.



## «أما» هائی آغازگر بحث

﴿أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينٍ يَعْمَلُونَ

فِي الْبَحْرِ... \* وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ

مُؤْمِنِينَ... \* وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ

يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ...﴾

سورہ کھف، ۷۹ تا ۸۲.

## نکته ای بسیار مهم

از نکات بسیار مهم این مثال، پوشش کامل موارد توضیح داده شده نسبت به مواردی است که به آنها اشکال شده است.

## «فاء» نشانه ارتباط میان فرمانهای این آیات

این همه در حالی است که در آغاز آیه: ﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ﴾، «فاء نتیجه» نیز آمده است و حضور این «فاء» در این مقطع، به این مفهوم است که خدا در زمان یتیم بودن، تو را در پناه خودش قرار داد، به این جهت، تو نباید یتیم را با قهر برانی. یعنی این فرمان در ارتباط با آیه: ﴿الْمُ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى﴾ صادر شده است.

## آیاتی کاملاً در ارتباط با قبل و متناظر

در آغاز عبارت: ﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾ و نیز عبارت: ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ البته چنین «فاء»ی وجود ندارد اما به دلیل وجود «فاء» در آغاز آیه: ﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ﴾ و عطف این دو آیه به آن آیه، باید این دو آیه را نیز نتیجه‌ای از آیات گذشته و در ارتباطی عمیق با آنها دانست و مورد ملاحظه قرار داد.

## آیه‌ای در ارتباط با ﴿وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي﴾

بنا بر این، فرمان ﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾ را نیز باید در ارتباط با آیه: ﴿وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي﴾ مورد ملاحظه قرار داد، همان گونه که فرمان ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ نیز در ارتباط با آیه: ﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى﴾ و یا در ارتباط با سه آیه: ﴿الْمُ يَجِدَكَ يَتِيمًا فَآوَى﴾ \* ﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى﴾ \* و ﴿وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي﴾ باید در نظر گرفته شود.

# آیاتی راه گشا برای درک بهتر مفاهیم آیات قبل

بدین ترتیب، آیات: ﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ \* وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ \* وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ راه گشای مناسبی برای فهم آیات: ﴿الْمُ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى \* وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى \* وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى﴾ خواهد بود و یعنی **با هدایت آیه:**  
**﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ﴾** می توان آیه: **﴿الْمُ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى﴾** را نیز بهتر دریافت کرد.

## درس یافته‌هایی در ارتباط با «اغناء پیامبر رحمت»

۱. خدا این اغناء را حتماً از راه بنده‌ای از بندگانش و یعنی حتماً از راه حضرت خدیجه انجام داده است.
۲. پرداختهای حضرت خدیجه همیشه و یا غالباً با سابقه درخواستی از پیامبر رحمت همراه بود.
۳. حضرت خدیجه هیچ گاه به درخواستهای آن حضرت، نه نگفته است.

## درس یافته‌هایی در ارتباط با «اغناء پیامبر رحمت»

۴. برخوردارهای حضرت خدیجه در نهایت صلابت و رحمت و عظمت انجام می‌شد و نقصی متوجه آن نبود.

۵. همه باید از این برخوردارها درس بگیرند.

۶. این همه در حالی است که حضرت خدیجه

فردی از امت خاتم پیامبران است.



تأکیدی بر انجام این اعمال توسط بنده ممتاز خداوند

اغنای که در آیه: ﴿وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى﴾ از آن  
خبر داده شده اگر چه به خدا نسبت داده شده

اما این عمل از جمله اعمالی است که توسط  
بنده‌ای از بندگان ممتاز خدا به انجام رسیده و  
خدای حکیم آن را به خودش نسبت داده است.

﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾ نشان گر این حقیقت است که...

«اغنای پیامبر رحمت» از راه پرداختهایی صورت گرفته که به دنبال درخواستهای پیامبر خدا به انجام رسیده است. این درخواستها حتماً از بندگان خدا صورت گرفته است که برای الگو گرفتن از آن، چنین دستوری صادر شده است.

## پیامبر رحمت نیز باید درس بگیرد

مخاطب فرمان ﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾ پیامبر رحمت است؛ خواه فرد دیگری نیز در این فرمان، با او شریک باشد و خواه نباشد. بنا بر این، پیامبر رحمت از برخورد حضرت خدیجه با خودش در امور مالی، باید درس بگیرد.

یعنی...

عملکرد حضرت خدیجه در موضوعهای  
مالی حتی برای پیامبر رحمت نیز حجیت  
دارد، در حالی که حضرت خدیجه، یکی  
از افراد امت آن حضرت است.

از تفسیرها ما خود را (۱۸)

آیاتی چند در ذکر ویژگیها و امتیازهای حضرت خدیجه

۲: ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾

# دقتی در تناظر این آیات

در تناظری که میان آیات: ﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ \* وَأَمَّا السَّائِلَ  
فَلَا تَنْهَرْ \* وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ و آیات: ﴿الْمُ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى \*  
وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى \* وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى﴾ وجود دارد، اگر دو آیه:  
﴿الْمُ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى﴾ و ﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ﴾ و نیز دو آیه:  
﴿وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى﴾ و ﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾ با یکدیگر متناظر  
دانسته شوند، آیه ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ باید در تناظر با آیه:  
﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى﴾ مورد دقت قرار گیرد.

## وجوب ذکر نعمت هدایت؟! از تفسیرها و تفسیرها (۱۸)

بنا بر این، اگر چنانچه این تناظر به همین صورت بسیط و ساده مورد نظر این آیات باشد، پیامبر رحمت باید به ذکر نعمت هدایت و تنها به ذکر این نعمت اقدام کند.

## فرمانی برای ذکر نعمت، نه شکر نعمت

«فَحَدِّثْ» با «فَاشْكُرْ» و یا «فَاْحْمَدِ اللّٰهَ» متفاوت است. بر مبنای فرمان ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾

پیامبر رحمت باید به ذکر نعمت برای دیگران  
بپردازد و بر اساس عبارتهای فرضی دیگر، او باید به  
شکر نعمت در برابر خدای حکیم بپردازد.



## وجوب ذکر دو نعمت از سه نعمت

هدایت پیامبر رحمت، توسط خدای حکیم به انجام رسیده و هیچ یک از بندگان هیچ نقشی در آن نداشته‌اند، در حالی که پناه دادن آن حضرت، امری بود که توسط حضرت ابوطالب به انجام رسید و خدای حکیم آن را به خودش نسبت داد و به همین صورت، اغنای آن حضرت به دست حضرت خدیجه انجام شد و خدای جهانیان آن را به خودش منتسب ساخت.

## و جوب ذکر دو نعمت از سه نعمت

بنا بر این، این دو نعمت باید مورد ذکر قرار

بگیرد، حتی اگر چنانچه ذکر نعمت

هدایت بر اساس آیه: ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ

فَحَدِّثْ﴾ بر پیامبر رحمت واجب نباشد.

## آیه شدن موضوعهایی این گونه خصوصی

خدا پیامبرش را در تیمی پناه داد به هر صورت که پناه داد، او را غنی ساخت به هر صورت که غنی ساخت و هدایت کرد به هر صورت که هدایت کرد، این همه موضوعی است که میان خدا و پیامبرش گذشته و مانند بسیاری از موضوعهای دیگری که میان او و پیامبرش گذشته است ممکن بود از آن دو تجاوز نکند و دیگری از آن با خبر نشود.

همه باید به ذکر این نمونه‌ها بپردازند

نزول موضوعه‌هایی این گونه به صورت آیاتی از قرآن، به این مفهوم است که همه باید در جریان این امور قرار بگیرند و یعنی همگان باید به ذکر این نعمتها بپردازند و باید از این آیات، به عنوان نمونه‌هایی از ذکر خدای حکیم از این موارد و «حدیث» او با بندگان یاد کنند.

# بهترین آموزگار برای پیامبر رحمت

منشأ هر دانش و هر آموخته‌ای در پیامبر رحمت خدای جهانیان است و همین آیات بهترین آموزگار برای آن حضرت است که بر اساس آیه: ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ او باید زبان به ذکر چه نعمت و نعمتهایی باز کند. بر این اساس، او حتماً باید هم از پناه حضرت ابوطالب سخن بگوید، هم از هدایت الهی و هم از اغنای خودش که با خزاین داراییهای حضرت خدیجه به انجام رسید.

# تمام امت مخاطب پیامبر خدا در ذکر نعمت

از سوی دیگر، مخاطب پیامبر رحمت در سخنانی که بر اساس آیه: ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ ذکر آنها بر او واجب است، تمام امت او هستند و این سخن گفتنها علاوه بر آن که پاسداشت حق حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه و نیز حق خدای عالمیان است، آموزشی برای دیگران نیز هست.

## وابسته سازی این آیات به آن آیات

نباید فراموش کرد که **خدای حکیم** با نازل ساختن آیات: ﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ \* وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ \* وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ بعد از آیات: ﴿الْمَ يَجِدَكَ يَتِيمًا فَآوَى \* وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى \* وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى﴾، **این درسها را** به آن نعمتها و چگونگی آنها وابسته ساخته است.

## نعمتی مشخص یا تمام نعمتها؟

«نعمت» در ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾، مفرد و مطلق است. به این جهت، یا باید آن را به یک نعمت مشخص ارتباط داد و یا باید آن را به جنس نعمت ارتباط داد که در آن صورت، پیامبر رحمت باید در مورد هر نعمتی از ربش لب به سخن بگشاید.



«نعمت خدا» قابل شمارش نیست

﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا

تُحْصَوْنَهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

سوره نحل / ۱۸.

این نعمت باید دست کم پنج نعمت را شامل شود

۱. نعمت پناه دادن پیامبر خدا در کودکی.

۲. نعمت هدایت.

۳. نعمت اغنای همیشگی پیامبر رحمت.

۴. نعمت عدم قهر نسبت به یتیم.

۵. نعمت عدم راندن سائل.

## ذكريک نعمت اما به صورتی جداگانه

﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ  
أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ  
وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي  
فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ  
تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ  
بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾.

سوره مائده/۱۱۰.

# بر اساس این آیات

ذکر نعمت اغنای پیامبر رحمت بر آن حضرت  
واجب است و این نعمت همان گونه که  
پیش از این به آن تصریح شد، نعمتی است  
که از سوی حضرت خدیجه متوجه پیامبر  
رحمت شده است.

## امثال هماره اين فرمان خداى حكيم

«... عَنْ عَائِشَةَ...، قَالَتْ: مَا غَرَّتْ عَلَى أَحَدٍ مِنْ نِسَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مَا غَرَّتْ عَلَى خَدِيجَةَ، وَمَا رَأَيْتُهَا، وَلَكِنْ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُكْثِرُ ذِكْرَهَا. وَرُبَّمَا ذَبَحَ الشَّاةَ ثُمَّ يَقَطِّعُهَا أَعْضَاءً، ثُمَّ يَبْعَثُهَا فِي صَدَائِقِ خَدِيجَةَ، فَرُبَّمَا قُلْتُ لَهُ: كَأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ فِي الدُّنْيَا امْرَأَةً إِلَّا خَدِيجَةَ! فَيَقُولُ: إِنَّهَا كَانَتْ، وَكَانَتْ، وَكَانَ لِي مِنْهَا وَلَدٌ».

صحيح بخارى ج ٥/٣١٨

# مقتل حضرت جون عليه السلام

فلما نشب القتال وقف أمام الحسين عليه السلام يستأذنه في القتال، فقال له الحسين عليه السلام يا جون أنت في إذن مني، فإنما تبعتنا طلبا للعافية فلا تبتل بطريقتنا، فوقع جون على قدمي أبي عبد الله يقبلهما ويقول: يا بن رسول الله أنا في الرخاء أحرص قصاعكم وفي الشدة أخذكم!؟

# مقتل حضرت جون عليه السلام

إن ريحي لنتن وإن حسبي للئيم وإن لوني لأسود، فتنفس علي في  
الجنة ليطيب ريحي ويشرف حسبي ويبيض لوني، لا والله لا  
أفارقكم حتى يختلط هذا الدم الأسود مع دمائكم، فأذن له  
الحسين عليه السلام فبرز وهو يقول:

كيف ترى الفجار ضرب الأسود بالمشرفي والقنا المسدد

يذب عن آل النبي أحمد

# مقتل حضرت جون عليه السلام

ثم قاتل حتى قتل. وقال محمد بن أبي طالب: فوقف عليه الحسين عليه السلام وقال: اللهم بيض وجهه وطيب ريحه واحشره مع الأبرار وعرف بينه وبين محمد وآل محمد. وروى علماءنا عن الباقر عليه السلام عن أبيه زين العابدين عليه السلام أن بني أسد الذين حضروا المعركة ليدفنوا القتلى وجدوا جونا بعد أيام تفوح منه رائحة

المسك



# گل به وقت گلاب نزدیک است

گل به وقت گلاب نزدیک است  
لحظه اضطراب نزدیک است  
لحظه ای که عموبه خود می گفت  
مشک بردار آب نزدیک است  
بی گمان بین آب و شش ماهه  
لحظه انتخاب نزدیک است

# " مهدی رحیمی "

لحظهٔ روگرفتن ارباب

از نگاه رباب نزدیک است

آه خفاش های بی مقدار

کشتن آفتاب نزدیک است

لحظه های کشیدن دست و


روسری و نقاب نزدیک است

البر الطاهر اليد المقبولة كالأع



لَوْ كُنَّا نَعْلَمُ عَمَلِ الْفِتْنَةِ

بِالْحَقِّ



برای دریافت فایل‌های صوت، متن و  
پاورپوینت مربوط به مباحث مطرح شده  
در این شبها می‌توانید به پایگاه اینترنتی

[www.sadeqifard.com](http://www.sadeqifard.com)

مراجعه کنید.